

سال ۱۹۰۵ با نام استاد اونرات، یا فرجام کار یک خودکامه، انتشار یافت. قهرمان این رمان دبیری شهرستانی است که رات (Rat) نام دارد، رات در زبان آلمانی به معنای پند است، اما شاگردان و همکاران رات او را اونرات (Unrat) می‌نامیدند که زیاله و آشغال و گند معنا می‌دهد.

رفته رفته در رمان آشکار می‌شود که این جناس‌بندی - پند را گند نامیدن - چندان هم بی‌راه نیست. این دبیر جزم‌اندیش و کوته‌بین که برای خود مقام و منزلتی اجتماعی دارد، در عشقی پیرانه‌سر به دختری از طبقه فرودست جامعه که به هنرنیشتگی و آوازه‌خوانی از نوع درجه سوم آن، پرداخته است، منزلت خود را از بین می‌برد. دخترک آوازه‌خوان که عشق پیشه‌اوست، استاد اونرات را به بی‌آبرویی می‌کشانند و زندگی منزله و مقید او را ویران می‌کند.

هاینریش مان که همواره دستی در شیوه ناتورالیسم داشت در این اثر از چارچوب ناتورالیسم آلمانی فراتر می‌رود و به مانند برخی از داستان‌های کوتاهش که پیش از این بدان پرداختیم، اثری انتقادی درباره جامعه آلمانی عصر قیصر ویلهلم ارائه می‌دهد. در این اثر نیز به مانند داستان کناره‌گیری و رمان زبردست، انتقاد هاینریش مان متوجه مناسبات و ساختار آموزشی و تربیتی آلمان آن روزگار است. این اثر و بسیاری دیگر از آثار وی تصویر روشنی از آلمان اواخر سده نوزده و شیوه‌های تربیتی حاکم بر مدارس این کشور به دست می‌دهد.

در تحلیل داستان کناره‌گیری نیز دیدیم که آثار هاینریش مان گونه‌ای کالبدشکافی قدرت‌گرایی آلمانی و نیز پیش‌بینی نازیسیم است. اما تحلیل نویسنده تک‌بعدی نیست، او برخلاف دیگران، خودکامگان را صرفاً قدرتمندانی زورگو نمی‌بیند، بلکه وی در رمان فرشته آبی در تحلیل شخصیت استاد اونرات در مقام یک خودکامه، گونه‌ای ضعف را نیز آشکار می‌کند. هاینریش مان آشکار می‌کند که خودکامگی بیشتر ناشی از ضعف و بیماری روحی است تا قدرت. اونرات نیز در مقام کارگزار قدرت و توجیه‌گر آن فردی بی‌خویشتن است که در پیرامون خود با هرگونه احساسات انسانی مبارزه می‌کند، اما همین که احساس عاطفی در خود او به جنبش درمی‌آید، هرج و مرج طلبی پیشه می‌کند و آن اخلاق‌اندیشی جزم‌اندیشانه‌اش آن پندگرایی‌اش در بر اعتقادی محض و در گند واژگون می‌شود و رات به اونرات، پند به گند تبدیل می‌شود.

با این حال آنچه به داستان عینیت و لمس‌پذیری می‌دهد، پرداختن به شرایط زیست خودکامگی است که

به سلسله مراتب و زبردست احتیاج دارد که در اینجا دانش‌آموز کنترلاک را بارزترین نمونه آن می‌یابیم. به هر حال هاینریش مان به گونه‌ای سرنوشت‌نهایی هرگونه فاشیسمی را نیز در چنین آثاری بر ملا می‌کند. نتیجه‌گیری نهایی این است که هرگونه خودکامگی در نهایت به ذلت و شکست ختم خواهد شد زیرا اساس و ماهیت وجودی هرگونه فاشیسمی نه از قدرت که از ضعفی نهایی ریشه می‌گیرد. اینجاست که تشابه فوق‌العاده این رمان با داستان کناره‌گیری که در بررسی مجموعه داستان توتینای یینا بدان پرداختیم، آشکار می‌شود.

رابطه دوگانه «خودکامه - زبردست» که به ویژه در فاصله سالهای ۱۹۰۴ تا ۱۹۱۴ اساس بسیاری از آثار هاینریش مان را تشکیل می‌دهد، در این رمان در چارچوب یک شهر آلمانی تجسم می‌پذیرد و در رمان زبردست که به یک تعبیر، تداوم و تکامل فرشته آبی به شمار می‌رود، تا به مناسبات کل جامعه گسترش می‌یابد و در مجموع خود نمونه‌های مجاب‌کننده‌ای را از بحران منزلت انسانی در برابر چشم خواننده به نمایش می‌گذارد.

و نکته پایانی اینکه تحلیل روانشناختی هاینریش مان از تزلزل شخصیت فرد خودکامه که ارزش ویژه به رمان فرشته آبی می‌بخشد به هیچ روی در فیلمنامه این اثر و به طبع در فیلم فرشته آبی ملحوظ نشده است. از این رو می‌باید به تماشاگران این فیلم توصیه کرد که بدان بسنده نکنند و فرشته آبی واقعی را در رمان هاینریش مان سراغ بگیرند.

پانویسها:

۱- باید یادآور شد که سال چاپ ترجمه فارسی رمان فرشته آبی، تابستان ۱۳۷۳ و مجموعه داستان توتینای یینا تابستان ۱۳۷۴ بوده است. لیکن هر دو این آثار برای نخستین بار در آستانه سال ۱۳۷۸ توزیع شد و به دست خوانندگان رسید. حتی با نگاهی به تاریخ ذکر شده در فرجام مقدمه مترجم در کتاب فرشته آبی درمی‌یابیم که مترجم دستتویس ترجمه خود را در سال ۱۳۶۲ به ناشر سپرده بوده است. بی‌آنکه ما سخی در این باره بگوییم خواننده خود با نگاهی به تاریخ‌های ترجمه، چاپ و توزیع این دو کتاب متوجه نکاتی درباره آسیب‌شناسی صنعت نشر خواهد شد.

۲- در این مقاله بخش‌هایی از مقدمه مترجم بر هر دو اثر یادشده نیز عیناً نقل شده است.

۳- فیلمنامه این فیلم پیش از خود رمان آن به فارسی ترجمه شده است:

- یوزف فون اشتنبرگ، فرشته آبی، ترجمه پرویز تابدی، انتشارات مدرسه عالی تلویزیون و سینما با همکاری انتشارات پیام، ۱۳۵۰، ۱۶۹ ص.

فلاطوری نامه

پروفسور عبدالجواد فلاطوری از معدود عالمان و دانشمندانی بود که در دو فضای تمدن ایرانی و تمدن غربی به تعلیم و تربیت پرداخت و با کسب دانش‌های قدیم و معارف جدید، منشأ خدمات مهمی در غرب و خصوصاً کشور آلمان برای فرهنگ و معارف اسلامی گردید.

«فلاطوری نامه» عنوان مجموعه مقالاتی است که به همت سمینار شرق‌شناسی دانشگاه کلن آلمان منتشر شده و شامل دو بخش و یک پیوست است: بخش اول حاوی گفتار و نوشتارهای دانشمندان آلمانی است که در بزرگداشت مرحوم فلاطوری عرضه شده‌اند. سخنرانانی که در مجلس بزرگداشت به ارائه مقاله یا سخنرانی پرداختند عبارتند از: پرفسور آنه‌ماری شیمل، پرفسور گوتترپ، گینزل الهی‌دان یهودی، پرفسور اولریش ماتس رئیس دانشگاه کلن و دو تن از شاگردان مرحوم فلاطوری که در مقالات خود به بحث از تحقیقات ادیان‌شناسی فلاطوری پرداخته‌اند. او را در دهه اخیر که همواره با شرکت فعالانه خود در بحث‌های رادیویی و تلویزیونی، سعی می‌کرد مؤدیانه پیشداوریه‌ها و سوءتفاهماتی را که در غرب نسبت به اسلام رواج دارد از میان بردارد اشاره کرده‌اند. هدف نهایی فلاطوری تصحیح تصویر اسلام ستیزه‌گری که در غرب وجود دارد و نشان دادن چهره راستین اسلام با ارزشهای اخلاقی و انسانی بود.

بخش دوم فلاطوری نامه در بردارنده‌ی مقالاتی از مرحوم فلاطوری است که شامل مطالب زیر است: نبرد عقاید در صحنه‌ی کنونی دنیا، کاوش از سازگاری یا ناسازگاری اسلام و سکولاریسم، تأویل علمی گفتگوی ادیان از دیدگاه اسلام، حجیت اصل عقل در استنباط احکام شرعی در مذهب شیعه، چگونگی طرح اشتراکات میان مسیحیان و مسلمانان.

تدوین‌کنندگان فلاطوری نامه در پیوست این کتاب، گزیده‌ای از کتب و مقالات استاد فلاطوری را برای آشنایی پژوهشگران و محققان ذکر کرده‌اند. فلاطوری نامه در ۲۷۱ صفحه به قطع برقی در تاریخ اوت ۱۹۹۸ میلادی به همت شاگردان و علاقه‌مندان مرحوم فلاطوری در آلمان چاپ شده است.

«فلاطوری نامه» تصویری گذرا از شخصیت علمی و فعالیت‌های فرهنگی و علمی او را در غرب نشان می‌دهد و برای شناخت بیشتر و دقیق‌تر از خدمات فرهنگی و علمی او باید آثار دیگری تدوین شود تا خدمات او بیشتر شناخته شود.